

نوشته : بتی تاندول  
ترجمه : دکتر ذبیح الله جوادی

## دوره‌های حساس رفتار فرزندی<sup>(۱)</sup>

کسی که دربارهٔ مسیر تحول زندگی جانوران مطالعه می‌کند هر دوره‌ای در نظر او به لحاظ بوجود آمدن یک جریان حیاتی و عکس‌عملی که ارگانیزم نسبت به آن دارد و اثری که آن جریان در تاریخ زندگی ارگانیزم دارد حساس است و کسی که دربارهٔ رشد تحقیق می‌کند با عبارت دوره‌های حساس (۲) پیوسته سروکار خواهد داشت و آن را بکار خواهد برد .  
تعریف دقیق این عبارت باید طوری باشد که شامل همهٔ وجوه این فرضیه بوده و در حقیقت جامع باشد . این عبارت در جنین‌شناسی ، روانشناسی حیوانی ، تجربی ، پسیگنالیز و تحلیل روانی ، تئوری تربیتی یا روانشناسی پرورشی و روانشناسی فردی مورد استعمال دارد . توجه محققان تجربی به این عبارت آن را قابل توجه ساخته و مورد استفاده بودن آن از نظر اجتماعی به آن اعتباری بخشیده است اما از نظر پراگماتیسم اعتباری که دانشمندان برای آن قائل شده‌اند نمی‌تواند ارزش علمی و تحقیقی داشته باشد . من در این مقاله می‌خواهم این مطلب را بررسی کنم و امیدوارم که بتوانم مورد استفاده و اعتبار آن را در تحقیقات روانشناسی رشد ثابت کنم .

من در مقام آن هستم که با بررسی واکنش‌های زمان کودکی انسان آخرین تحقیق را دربارهٔ تاثیر دوره‌های حساس رفتار فرزندی تحقیق و ارائه دهم .

### بررسی فرضیه دوره‌های حساس :

موضوع مورد بحث در این سمپوزیم فرضیه دوره‌های حساس است در حالیکه به نظر می‌رسد که این امر بسیار ساده و نیازمند به بحث و تحقیق نباشد فرضیات بسیاری درباره دوره‌هایی از مراحل رشد که برای پاره‌ای از اشکال رفتار حساسند مطرح شده‌اند ( مثل دوره‌های حساس برای نقش‌پذیری رشد حرکتی - یادگیری سخن‌گفتن تشکیل مکانیزم‌های عاطفی ) .

بین دوره‌های حساس و بعضی رفتارهای ارگانیزم ارتباط علت و معلولی برقرار است و تا آن دوره‌ها فرانسند ظهور آن رفتارها و مکانیزم‌های خاص امکان پذیر نخواهند بود . در جنین‌شناسی که اساس فرضیه دوره‌های حساس در آن پی‌ریزی می‌شود هر چند که رفتاری وجود ندارد اما مراحل هست که آمادگی برای تأثیر عوامل شیمیایی روی توده سلولها حاصل میگردد . اسکات (۳) این اصطلاح را بیشتر در جریان اجتماعی شدن و مراحل مختلف تجارب اجتماعی بکار می‌برد .

حوادث از نظر زمان وقوع متفاوت می‌باشند اما دوره‌های حساسی وجود دارند که ارگانیزم از نظر قدرت حرکت آماده برای پاره‌ای تمرینات می‌شود .

هاویکهارست (۴) (۱۹۵۲) این فرضیه را در تحقیق خود درباره مراحل رشد دنبال

گرداشته است .

واتسون (۵) و کالدول (۶) ۱۹۵۹ پیش‌بینی کرده‌اند که محدوده‌های رشد که وسیله طرفداران فروید عنوان شده ناظر به همین فرضیه دوره‌های حساس می‌باشند و باید گفت که در عبارت " آمادگی تربیتی " فرضیه دوره‌های حساس نهفته است با توجه به یادگیری دوره " آمادگی " به همان معنایی نیست که هس (۷) ۱۹۵۷ - ۱۹۵۸ و جینز (۸) (۱۹۵۷) آن را در مورد نقش‌پذیری بکار برده‌اند .

این تئوری و فرضیه اگر بصورت مفرد هم بکار برده شود محدود بیک رفتار نخواهد بود بلکه به معنای ظهور مراحل رشد است و نشان می‌دهد که زمان یکی از متغیرهای مستقل برای رشد و تکامل رفتار انسان است .

این مسلما " درست نیست که فقط برای یک نوع رفتار دوره حساسی قائل باشیم .

## بیش از دوره حساس و در دوره حساس :

فرضیه دوره حساس را از دو جهت می توان مورد مطالعه قرار داد یکی اینکه گفته شود دوره حساس دوره ای است که قبل وبعد از آن دوره ارگانیزم برای انجام پاره ای اعمال و واکنش ها آمادگی ندارد و یا اینکه انگیزش ها قبل وبعد از این دوره بی تاثیر می باشند و دیگر اینکه گفته شود دوره حساس دوره ای است که از آغاز تا پایان آن دوره خاص رشد انسان یا حیوان می تواند تحت تاثیر انگیزش های مختلف قرار گیرد .

فرضیه پیش وبعد از دوره حساس در جنین شناسی صادق است برای مثال اگر تقسیمات سلولی پیش از دوره خاص که برای تکامل جنین و تشکیل ارگان های مختلف جنین لازم است انجام شود و یا بعد از آنکه تغییرات سلولی به حد نهائی برسند این تقسیم سلولی ایجاد گردد موجب نقص جنین خواهد شد زیرا فعالیت های سلولی بعد از آن مرحله فقط برای ترمیم سلول های از بین رفته یا برای تامین رشد سلولها انجام می گیرد .

فرضیه دوره حساس در مورد سلولها نیز صادق است زیرا اگر جنین در زمان معینی آسیب ببیند ممکن است بطور مازاد ناقص دنیا بیاید . به عقیده وارگانی (۹) (۱۹۴۷) دوره هایی هست که در آن دوره ها ارگانها آسیب پذیرند ولی بعد از آن مقاومت آنها در مقابل عوامل خارجی زیاد می گردد و در حقیقت نوعی مصونیت برای جنین پیدامی شود . در جنین شناسی فرضیه دوره حساس یک امر مهم است و آن را نمی توان یک عامل اتفاقی و فرعی بحساب آورد .

ثابت شده است که سیستم های عضوی وقتی تحت تاثیر شدید آسیب قرار می گیرند که در آخرین حد نمی باشند در حالیکه اعضای که به آخرین حد رشد نرسیده اند یا از آن گذشته اند آمادگی برای آسیب پذیری ندارند (هاپزگر (۱۰) ۱۹۷۴) اسکات ۱۹۵۸ می نویسد فرضیه دوره حساس در مورد اجتماعی شدن اگر ناظر به جنبه اول باشد در این صورت فرضیه نخواهد بود زیرا مسلم است که دوره ای در زندگی انسان وجود دارد که قبل از آن انسان یا قادر به برقراری رابطه اجتماعی نخواهد بود یا اینکه این ارتباط اجتماعی کامل نتواند شده همه کسانی که درباره رفتار حیوان مطالعه می کنند در مورد رفتار اجتماعی انسان همین نظر را ابراز داشته اند .

بالی (۱۹۵۲) یک تحقیق تجربی و بالینی انجام داده و جنبه دوم فرضیه را قبول کرده و گفته است که دوره ای وجود دارد که در آن دوره حساس مواظبت مادر با اندازه

عوامل شیمیائی در تکامل جنینی موثر می باشد . او می نویسد بعضی می پندارند که رشد مغزی و روانی جنین هم مثل رشد بدنی او است و همانطوریکه بدن در دوره خاصی می تواند آمادگی برای قبول تاثیر شیمیائی تشکیل دهنده اعضا پیدا کند روان و مغز او نیز چنین است .

اگر رشد بقآرامی صورت گیرد اندامها در دوره های خاصی تحت تاثیر عوامل شیمیائی تشکیل دهنده قرار می گیرند و اگر رشد روانی بتدریج حاصل شود باید گفت که دوره های وجود دارند که عوامل تشکیل دهنده روان در آن تاثیر فراوان دارند .

مهم ترین عامل برای رشد روانی مادر است و در این مورد بیشتر توجه به نظریه پیش و بعد از دوره حساس است زیرا دوره های وجود دارند که محرومیت از مواظبت مادری در آن دوره ها تاثیر مداومی در زندگی نوزاد دارد . هر چند که این دو جنبه از فرضیه تا حدی متفاوتند اما نمی توان گفت که هیچگونه ارتباطی با همدیگر ندارند . غالبا " وقتی می گوئیم " دوره حساس " برای انجام فلان عمل در عین حال به این مطلب توجه کرده ایم که قبل از آن دوره حساس انجام آن کار و نظایر آن ممکن نیست . برای مثال هس می گوید که دوره " ۱۳ تا ۲۶ ساعت اول زندگی برای نقش (۱۱) پذیری ادراکی مهم است اما این ماکزیمم را می توان با داروها و با نحوه آزمایش تغییر داد و طولانی تر کرد .

اخیرا " فریدمن (۱۲) ثابت کرده است که دوره حساس برای اجتماعی شدن سگها ۷ تا ۹ هفتگی است .

در هر حال اجتماعی شدن در ظرف ۱۲ هفته انجام می شود و قبل از آن حیوان هیچگونه عکس العملی برای اجتماعی شدن نشان نمی دهد . با توجه به این مطلب باید گفت که لحظه ماکزیمم حساسیت برای ظهور یک رفتار هفته ها پیش از لحظه ای که دیگر ادامه آن ممکن نیست ظهور پیدا می کنند . یکی از مطالب نهجی که درباره دوره های حساس عنوان می شود اختلاف افراد در شروع و پایان دوره های آمادگی حسی است .

اخیرا " کاتلیب (۱۳) در مورد نوک زدن جوجه اردک تحقیقی کرده و گفته است که در اردک دوره حساس برای نقش پذیری بلافاصله بعد از بیرون آمدن از تخم آغاز می شود و می توان گفت که بیشتر نقش پذیری ها در بیست و هفتمین روز بعد از حرکت حاصل می شود ، بدون تردید این یک واقعیت کلی مورد اذعان است که دوره های حساسی برای رفتار فرزندی وجود دارد اما نمی توان گفت که الزاما " دوره تکامل رفتار فرزندی در انسان پیش یا بعد از

سن شش ماهگی بوجود می آید . اسکات تاکید کرده است که دوره حساس برای یک حیوان ساده با یک نژاد وقتی است که ارگانیزم از نظر عصبی و فیزیولوژیکی آمادگی برای تشکیل رفتار اجتماعی داشته باشد بعلمت اینکه سیستم های حسی در زمان کودکی آمادگی برای تحریک خارجی ندارند و ظهور روابط اجتماعی در آن زمان کمتر است .

در هر حال بین ۳ تا ۷ هفته اول زندگی درجه حرکت قلب و نوسان EEG نشان می دهد که بین کرتکس و هیپوتالاموس ارتباط ایجاد شده و در اثر این تغییر عصبی و فیزیولوژیکی ارتباط اجتماعی میسر می گردد . او تاکید می کند که تفاوت های مهمی در درجات رشد سیستم های مختلف وجود دارد که ناشی از تفاوت های فردی است و تقریباً " سه تا چهار روز پیش و بعد از دوره طبیعی و میانگین دوره حساس ) برای رشد مهم است و وقتی که آزمایشات تجربی بکار برده می شوند باید روی تولد و نحوه رشد شخصی دقت شود مثلاً " از مطالعه روی دو طول سگ هم سن ممکن است نتایج متفاوتی بدست آید بر مبنای این نظریه که دوره های زندگی یک انسان مثل سگ به ۶ دوره تقسیم می گردد از می نویسد که تغییر پذیری دوره های حساس در کودک انسان ممکن است ۶ هفته باشد یعنی هر دوره از زندگی یک فرد نسبت به دیگری ممکن است یک هفته کم و زیاد شود .

### دوره های حساس در رفتار فرزندی کودک

باتوجه بر رفتار اجتماعی انسان فرضیه دوره حساس در مورد رفتار گرایش به مادر است که من آن را رفتار فرزندی خوانده ام .

- ۱ - دوره های وجود دارد که در آن دوره کودک انسان منتهای آمادگی را برای برخورد اجتماعی پیدا می کند و نیز سیستم های احساس و عاطفی او آماده کار می شوند .
- ۲ - اگر ارتباط عاطفی بین مادر و فرزند در آن دوره حساس ایجاد نشود علاقه با مادر به کمال نمی رسد .

بعضی اصرار دارند که مشابهتی بین پیدایش احساس عاطفی میان مادر و فرزند و رفتار نقش پذیری که بین پرندگان و پستانداران وجود دارد پیدا کنند کلمه ای که امروز برای توجیه این پیوستگی علاقه فرزندی است یک پرنده از نظر قیزیکی و عملی نوعی بستگی به موضوعی که برای اولین بار در دوره حساس با او روبرو می شود پیدا می کند خواه این موضوع مادر باشد یا غیر آن .

آزمایشات پیشین لارنز (۴) و رمزی (۵) درباره نقش‌پذیری ثابت می‌کند که دنبال کردن یک شیء خارجی توسط جوجه معقول نیست مگر اینکه جوجه بعد از اینکه از تخم بیرون آمدن رابطه پیدا کند و تجربیات بعدی نیز دوره‌های حساس را برای منتهای آمادگی ثابت کرده‌اند هر چند که مقدار ادامه آن دوره حساس متفاوت است .

### نتایج حاصل از داده‌های کلینیکی :

مطالعه درباره دوره حساس برای رفتار فرزندی در حیوانات و پرندگان ما را بدوره‌های مشابهی در زندگی کودک انسان رهبری می‌کند بسیاری از این نتایج مبتنی بر مطالعات بالینی کودکانی است که رفتار فرزندی در آنها بطور طبیعی و به موقع ظاهر نشده است معمولاً این بررسی‌ها در پرورشگاهها یا بیمارستانها صورت گرفتند .

مطالعاتی که در این باب بعمل آمده نشان می‌دهند که دوره‌ای که این رابطه فرزندی ایجاد می‌شود از سه ماهگی تا پنج سالگی است . از تحقیقات گلدفارب (۶) (۱۹۴۹) (۱۹۵۵) استفاده می‌شود که سن سه سالگی آخرین مرحله این دوره محسوب می‌شود و در مطالعه بالینی (۱۹۵۲) ثابت شده است که عده‌ای از بیماران روانی در سن ۶ ماهگی و بیشتر آنها در سن یک سالگی از مادر محروم شده‌اند .

سپیتز (۷) (۱۹۴۶ - ۱۹۴۵) ابتدا اظهار نظر کرد که شش ماهه اول زندگی حساستر از ۶ ماهه دوم همان سال است اما بعداً " تغییر عقیده داد و گفت که آسیب روانی وقتی حاصل می‌شود که محرومیت از مادر زودتر از سه ماهگی حاصل شده باشد و بالبی هم در ۱۹۵۳ همین نتیجه را بدست آورده است . کزی (۸) (۱۹۵۸) مطالعات بالینی انسان و حیوانی را در آمیخته و گفته است که دوره حساس را می‌توان از ۶ هفته تا شش ماه درجه بندی کرد . اسکات در طول سالها مطالعه پیوسته نظر خود را در مورد دوره‌های حساس برای اجتماعی شدن تغییر داده (۱۹۵۰) و بیان داشته است که دوره حساس دوره ۱۵ ماه تا سه سال اول زندگی است . در ۱۹۵۸ شاید تحت تاثیر مطالعات بالینی نظریه بسیار احتیاط - آمیزی ابراز کرد دایر بر اینکه دوره‌های حساس زودتر از سن یک ماه تا ۶ هفته و یا دیرتر از ۵ تا ۷ ماه شروع نمی‌شود . لئون یارو (۱۵) (۱۹۶۰) بمن اجازه داد تا نتایج مطالعات او را که هنوز چاپ نشده مطالعه کرده و از آنها برای تهیه این مقاله استفاده نمایم .

در این یادداشتها نتایج محرومیت از مادر در کودکی روی شخصیت زمان بلوغ در

مورد ۱۶ گروه در شرایط مختلف محرومیت از مادر بررسی کرده و نتیجه گرفته است که بعضی کودکان نامتعادل زودتر از ۳ ماه و ۸۶ درصد از آنها بعد از ۶ ماه از مادر محروم شده‌اند . اما شدیدترین آسیب در فاصله ماه ۳ تا ۱۲ دیده می‌شود تحقیق در حالات افراد نشان می‌دهد که ارتباط سطحی با مادر مصنوعی آسیب کمتری دارد یا اصلاً آسیب ندارد . در حالیکه ارتباط وسیع با آنها ایجاد آسب شدید می‌کند

انتخاب یک معیار درست : این مطالعه که درباره دوره‌های حساس برقراری روابط مادر و فرزندی انجام شده جنبه منفی دارد و نشان می‌دهد که در چه دوره‌هایی انسان نمی‌تواند ارتباط اجتماعی فرزندی با مادر خود برقرار کند یا اینکه این ارتباط غیر ممکن می‌شود اما از نظر مثبت مشکل است که رفتار کودک را از لحاظ رابطه با مادر مورد مطالعه قرار دهیم و کمتر حیوانی پیدا می‌شود که مطالعه در رفتار مادر و فرزندی در آن با اندازه انسان غیر مستقیم و مشکل باشد ، ما محتاج نیستیم که درباره نفس کشیدن و دم پس دادن و رشد آن کوشش کنیم زیرا کودک نوزاد انسان بسادگی این عمل را انجام می‌دهد اما او نمی‌تواند روی پای خود بایستد و بطرف مادر خود برود و پستان مادر را بدهن گیرد و بمکد و حتی پرندگان نیز وقتی از تخم بیرون می‌آیند مستقل نیستند و بعد یاد می‌گیرند که چه کنند . ابتدا یاد می‌گیرند که دهان خود را در زمان معینی باز کنند و ببینند و چه بسا که مادر غذا را به دهان آنها بریزد یا داخل لانه بیندازد . هسی ( ۱۹۵۹ ) خاطر نشان ساخت که مقدار کوشش یکی از متغیرهایی است که در نقش پذیری اثر شدیدی دارد، یعنی هر چه نقش‌پذیری شدیدتر باشد مقدار کوشش وسیع‌تر خواهد بود و بر عکس اما چون کودک انسان کمتر کوشش نشان می‌دهد تا کمتر می‌توانیم رفتار او را توجیه کنیم . ما از کودک انسان رفتار عینی واضحی نمی‌بینیم و نمی‌توانیم آزمایشاتی را که درباره نقش‌پذیری بعمل آمده درباره او صادق بدانیم مثلاً " اگر تعقیب کردن مادر را یکی از رفتارهای فرزندی بشماریم آن را در مورد انسان هم می‌توانیم مورد تحقیق قرار دهیم .

باید توجه داشت که دنبال کردن را حیوان شناسان و روانشناسان تجربی در مورد انسان آزمایش نکرده‌اند . گری ( ۱۹۵۸ ) که در مورد نقش‌پذیری در انسان مطالعه کرده تبسم کردن را در مورد کودک انسان بکار برده و معتقد است که در پستانداران عالی بجای دنبال کردن خندیدن معیار نقش‌پذیری و ایجاد نخستین رابطه اجتماعی است .

به عقیده من در مورد کودک انسان هم همان تعقیب کردن را باید معیار قرارداد از بسیاری جهات روابطی که کودک با مادر خود برقرار می‌کند چندان با وضع نقش‌پذیری پرندگان آزمایشگاه فرق ندارند زیرا کنترل عضلات چشم بزودی رشد می‌یابد و کودک با چشم خود می‌تواند مادر خود را تعقیب کند .

وقتی که کودک می‌خواهد شیر بنوشد بصورت مادر خود نگاه می‌کند . بسیاری از صاحبان کارخانه که اسباب بازی می‌سازند گفته‌اند که کودک به چیزهایی علاقه نشان می‌دهد که بتواند مستقیماً به آنها نگاه کند زیرا او بصورت عمودی و مستقیم می‌تواند ببیند و مادران هوشیار هم این مطلب را تأیید می‌کنند .

کودک نگاه می‌کند و چشم خود را بدنبال چیزی که بنظرش می‌رسد می‌چرخاند . گراهام (۲۰) - مارترازاو (۲۱) و کالدول و ولف (۲۲) ۱۹۵۹ حدود نگاه کردن کودک نوزاد را مورد مطالعه قرار داده‌اند . گریف فیتز (۲۳) (۱۹۵۴) نگاه زودگذر کودکان یک ماهه را به چهره آزمایش‌کننده بررسی کرده و کتیل (۲۴) (۱۹۴۰) و گیزل (۵) (۱۹۴۱) بجای تعقیب کردن حرکت دادن چشم بدنبال شیئی را در کودک دو ماهه مطالعه کرده‌اند .

از نظر ارتباط اجتماعی کودک انسان در سنین اولیه می‌تواند مادر خود را با چشم دنبال کند و وقتی که بزرگ شد و قدرت حرکتی کافی پیدا کرد با تمام بدن خود مادر را دنبال سعی می‌کند که بجای ارتباط چشمی از ارتباط کلی با مادر خودش پیدا کند و با حصول رشد مشکل نیست که بگوئیم چگونه رفتار تعقیب عادی می‌شود . کودکی که با مادر خود تماس دارد بیشتر زنده می‌ماند .

بالبی در یکی از مقالات و تحقیقات مهم خود تعقیب کردن را یکی از عکس‌العمل‌های غریزی انسان می‌داند که در ارتباط بین مادر و فرزند بوجود می‌آیند و رفتارهای فرزند را عبارتند از مکیدن ، چسبیدن به مادر ، گریه کردن و خندیدن و دنبال کردن . او تعقیب کردن را مهم‌تر از عکس‌العمل مکیدن میدانند .

نویسنده با انتخاب مدل‌های معیاری را بر مبنای پارامترهای دنبال کردن تهیه کرده است . در نظر اول چنین بنظر می‌رسد که کودک انسان مثل جوجه‌های واردگیری نمی‌تواند فوراً کسی را تعقیب کنند ولی جوجه‌ها بعد از اینکه نقش‌پذیری در آنها ایجاد شد و آنها را آزاد گذاشتیم که دنبال آزمایش‌کننده یا بدنبال کسی دیگر بدون مادر را تعقیب مینمایند .



در حال حاضر ما می دانیم که کودکان بعد از چندماه مادر خود را برای دنبال کردن انتخاب می کنند و از این امر چنین بدست می آید که در شرایط محیطی مادر بیشتر برای تماس و برخورد اجتماعی در دسترس طفل قرار دارد .

و این چنین مطلبی بدون تردید در مورد ظهور خندیدن و حرف زدن که مورد مطالعه براکبیل (۶) ، رین گلد (۷) ، وراس (۸) قرار گرفته نیز صادق است .

شروع این دوره حساس از وقتی است که بچه چیزی را با چشم خود تعقیب می کند آنگاه وقتی که این تشخیص نامنظم بطور مستقیم مربوط به یک فرد شود و فرد خاصی که مادر است مورد دنبال کردن قرار گرفت می گوئیم که دوره حساس پایان یافته است . بعلاوه وقتی که بخواهیم شروع خنده یا هدف و بیزاری از بیگانه را مورد مطالعه قرار دهیم باید آزمایشاتی درباره یادگیری تشخیص کودک انجام دهیم .

نخست کودک به تحریکاتی که بوسیله مادر به او داده می شود با حرکت کردن و گرداندن چشم و خندیدن پاسخ می دهد و هر چه به پایان مرحله یادگیری نزدیک شود عکس العمل او نسبت به اشارات کسان دیگر کمتر می شود . با این نظر طول دوره حساس به مدت رشد تشخیص مادر و ایجاد رابطه با او بستگی می یابد اگر این بیان را منطقی بدانیم سئوالات جالبی پیش می آیند که تنها آزمایش می تواند آنها را رد کند یا بپذیرد . مثلاً " وقتی که مرحله یادگیری تشخیص موقعیت پایان یافت آیا دیگر دوره پایان می یابد و ارتباط مادر و فرزندی بعد از آن بین کودک و دیگری ایجاد نمی شود ؟ و آیا انتقال به خانه دیگر غیر از خانه مادر برای او عادی نمی شود ؟ یارو ( ۱۹۶۰ ) در تحقیقات خود در مورد این که آیا کودکانی که با مادر پرورشگاهی بوده و شیکو مراقبت شده اند عکس العمل منفی بیشتری نسبت به ارتباط با دیگران داشته اند یا آنها تیکه با مادر اصلی خود بوده و کمتر مواظبت شده اند ثابت کرده است که وضع چنین است عبارت دیگر انتقال علاقه مادری به مادر اجتماعی در صورتیکه یادگیری بحد معمول نرسیده باشد ممکن است .

حقیقت این است که تعقیب در کودکان مختلف درجات مختلف دارد و دوره هائی وجود دارد که بعد از آن دوره ها رابطه عاطفی فرزند مشکل می شود اگر نگوئیم که غیر ممکن می گردد . این منطقی است که بگوئیم این یادگیری جائیکه مادران زیادی وجود داشته باشند و طفل تحت مواظبت چند مادر باشد مشکل است چنانکه در پرورشگاه چنین است . تردید نیست که جائیکه یک مادر باشد تشخیص و تعقیب آسانتر خواهد بود از جائیکه چند مادر وجود

داشته باشد . مادر در اینجا اعم از مادر اصلی و مادران رضاعی و پرستاران می باشد .

### لحظات حساس یا وقایع حساس :

کوشش در اندازه گیری عکس العمل‌هایی که برای تشخیص دوره‌های حساس رفتار فرزند می‌فید بنظر می‌رسد بما کمک کرد تا فرضیه‌ای بدست آوریم که برای شناخت رفتار مهم است و آن فرضیه این است که اهمیت دوره حساس بخاطر وقایعی است که در آن اتفاق می‌افتد برای اینکه ارگانیزم در آن دوره آمادگی دارد . و برای اینکه رفتارهای خاصی در آن دوره رشد پیدا می‌کنند مستعد است . این وقایع و رفتارها در یکی از ماه‌هاسه تا نه ماهگی به وجود می‌آیند و در یکی از چهار هفته تا ۳ ماه و از این نظر مشکل و خطرناک است که روی دوره‌های خاص تکیه کنیم و بگوئیم مثلا " سه ماهگی مهم است یا نه ماهگی و غیره .

شاید بتوان گفت که مورد ارتباط بین مادر و فرزند کودکان تا حدی مشابهند چنانکه بیشتر بچه‌ها در یک سالگی براه می‌افتند و در دو سالگی بسخن می‌آیند و همچنین .

اما چنانکه قبلا " هم متذکر شدیم تفاوت‌های مهمی که بین افراد از لحاظ رشد بدنی و رفتاری و یادگیری وجود دارد و این امر ما را بحد احتیاط وامی‌دارد و نمی‌توانیم بطور قطع بگوئیم که بین کودکان از این جهات مشابهت کامل وجود دارد . یک رفتار ممکن است در زمان معینی ظهور پیدا کند و نمی‌توان گفت که در فلان زمان معین رفتار معینی باید اتفاق بیفتد بعبارت دیگر رفتار تابع نیست بلکه دوره حساس تابع است .

دوره‌های حساس برای دوره‌های حساس :

وقتی که مادر باره رفتار کودک مطالبه می‌کنیم میل داریم که رفتار قبل از آخر یا قبل از قبل از آخر را رفتار آخر فرض کنیم و غالبا " در مطالعات خودمان کوتاه‌ترین زمان را برای ارزش‌یابی انتخاب می‌کنیم .

شخصی که در کودکی از ارتباط مادر و فرزند محروم باشد در مراحل بعدی کودکی نا-مهربان و بی‌علاقه می‌گردد اما ممکن است چنین بچه‌ای بعضی خصوصیات سازگاری با محیط را یاد بگیرد و عکس این امر در مورد کودکان غیر محروم که در سنین بعد دچار محرومیت می‌شوند ممکن است اتفاق بیفتد زیرا سازگاری قبلی ما را از آینده مطمئن نمی‌سازد و مطالب بسیاری در طول مراحل رشد باید یاد گرفته شوند برای مثال کودکی که انگشت خود را بدهان می‌برد تا بوسیله آن غذای جامد را داخل دهان خود کند بزودی یاد می‌گیرد که قاشق را به

جای انگشت بکار برد و بوسیله چنگال غذای جامد را بدهان خود نزدیک کند. همچنین ممکن است شدت رفتار فرزندی نسبت به یک شخص ضعیف شود و جای آن را علاقه دیگری بگیرد. وقتی که رفتار فرزندی را مطالعه کنیم بهترین دوره برای آزمایش بخصوص برای ماده‌ها دوره مادری است.

نباید نتایجی که هالرو (۲۵) (۱۹۶۱) بدست آورده است مادر مصنوعی که در قفس برای بچه میمون بکار برده می‌شوند هر چند آرامش بخش و زیبا باشند نمی‌توانند جای مادر حقیقی را از لحاظ ظهور رفتار مادرانه و رفتار جنسی بگیرند و میمون‌هایی که به این شکل بزرگ شوند رفتار جنسی طبیعی نوع خود را نخواهند داشت.

### تشخیص فرضیه :

۱ - بیشتر نتایجی که درباره رفتار اجتماعی حاصل شده از مطالعه حیوانات بدست آمده و در این مورد کار اعضای این جمعیت بخصوص اسکات و همکارانش و بسیاری دیگر را بعنوان نمونه می‌توان ذکر نمود. نمونه‌های رفتار مثبت و منفی حیوانات برای رسم یک منحنی دقیق در این باب مورد نیاز است. آزمایشاتی که درباره سازگاری حیوانات و جدا کردن آنها و زندگی با مادر غایب نگهداری و مواظبت و امثال آن‌ها بعمل آمده در رسم این منحنی - ها مؤثرند و معلوم است که این نوع تحقیقات که درباره حیوانات بعمل آمده در مورد انسان نمی‌تواند صحیح باشد در صورتیکه نظر ما فقط معطوف بزمان رفتار باشد.

اما اگر ما نظر خود را بوقایع معطوف داریم چنین مطالعه‌ای بما کمک می‌کند تا به این سؤال جواب بدهیم که آیا دوره‌های حساس وجود دارند؟ و چه تفاوتی بین انواع مختلف حیوانات از این جهت وجود دارد؟

۲ - مطالعات مهمی که از لحاظ آسیب‌شناسی درباره رفتار انسان شده کافی نیست و مطالعات کلینیکی و اجتماعی دقیقی باید در مورد تحلیل دوره‌های حساس مورد استفاده قرار گیرند و بسیاری از عوامل اجتماعی ممکن است از تحقیق در محرک‌های اتقاقی و نتایج رفتار و همچنین نتایج ارتباط متقابل که در تاریخ زندگی بشر جمع آوری شده‌اند در تعیین دوره‌های حساس مؤثر گردند.

یکی از نمونه‌های جالب برای این مطلب نتیجه‌ای است که واگنهایم درباره بچه‌هایی که در سن دوسالگی دچار سرخک و در نتیجه دچار عدم قابلیت خواندن شده‌اند بدست

آورده است .

۳- مطالعه‌ای که درباره تفاوت رشد بعدی انسان‌ها بعمل آمده منبع مهمی به‌شمار می‌رود و مطالعات گذشته نگری چندان مفید نتوان بود . مادر بسیاری از تحقیقات خود درباره رشد رفتار اجتماعی هرگز نمی‌توانیم به آزمایش بپردازیم در حالیکه با ارزش‌یابی‌های مکرر می‌توان درباره تغییر رفتار فرزندی که پایه و اساس فرضیه دوره‌های حساس می‌باشد به طور دقیق اظهار نظر کرد .

### نتیجه

هدف این مقاله این است که جوابی به این سؤال که آیا فرضیه دوره‌های حساس برای مطالعه رفتار فرزندی در انسان مقید است یا نه ؟ پیدا کند . معمولا " جواب این سؤال مثبت است برای اینکه این فرضیه بعد چهارمی برای تئوری‌های رفتار بوجود می‌آورد و نشان می‌دهد که زمان را نمی‌توان در مطالعه رفتار از نظر دور داشت . برای اینکه ثابت شود که این فرضیه به تئوری رفتار کمک می‌کند نکاتی را یادآوری میکنیم .

۱- در این فرضیه باید بین آمادگی رفتاری و ثبوت رفتار فرق بگذاریم نباید گفت که پایان یک دوره شروع دوره دیگری است .

۲- باید بوقایعی که آن دوره‌های حساس را بوجود می‌آورند توجه کنیم و از روی معیارهای رفتاری حساسیت آن دوره‌ها را ثابت نمائیم .

۳- پیش از آنکه دوره‌هایی از زمان را حساس بدانیم فباید یقین بدانیم که دوره‌های زمانی ممکن را مورد مطالعه قرار داده‌ایم در پایان باید گفت همه دوره‌ها حساسند اما بعضی دوره‌ها مهم‌تر از بعضی دیگر میباشند .

همه دوره‌ها حساسند اما بعضی دوره‌ها مهم‌تر از بعضی دیگر میباشند .

## زیر نویسها:

۱- به شماره پنجم همین مجله - صفحه ۴۲ مراجعه شود

- |                    |                 |
|--------------------|-----------------|
| 2- Critical Period | 16- Goldfarb    |
| 3- Scott           | 17- Spitz       |
| 4- Havighurst      | 18- Gray        |
| 5- Watson          | 19- Leon Yarrow |
| 6- Caldwell        | 20- Graham      |
| 7- Hess            | 21- Matazaro    |
| 8- Jaynes          | 22- Wolff       |
| 9- Warkany         | 23- Griffiths   |
| 10- Hamburger      | 24- Cattell     |
| 11- Imprinting     | 25- Gesel       |
| 12- Freedman       | 26- Brackbill   |
| 13- Gottlieb       | 29- Rheingold   |
| 14- Lorens         | 30- Ross        |
| 15- Ramsay         | 31- Harlow      |



شعبه‌شناسی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی